راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

صوت 146 الاصول العملیه الشرعیه و العقلیه الرابع

\*- شهید میفرماید تعارض نه به لحاظ عالم ثبوت مطرح است و نه به لحاظ عالم اثبات؛ میگوید ببنید عالم ثبوت اصول عقلیه این است که عقل درک میکند که در این مورد حق الطاعه مولا است یا نه عقل درک میکند که نه در این مورد حق الطاعه مولا نیست. عقل وقتی چیزی را درک میکند نمیتواند دو درک متناقض داشته باشد. هم درک کند حق الطاعه در این مورد هست و هم درک کد حق الطاعه مولا در این مورد نیست. پس احکام عملیه عقلیه نمیتوانند ثبوتا تعارض کنند.

در مورد احکام شرعیه عملیه هم اینطوری است زیرا این احکام ثبوتشان عندالله است و نمیشود دو حکم عندالله تعارض کنند.

اما اثباتا تعارض وجود ندارد بین اصول عملیه عقلیه، به جهت اینکه اثبات اینها عین ثبوتشان هست میگوییم مگر عالم اثبات همان مقام دلالت نیست؟ همان لحظه ای که عقل درک میکند حکمی را همان لحظه هم ثبوتش است و هم اثباتش. لذا حیث اینکه در ثبوت با هم تعارض ندارند در اثبات هم تعارض ندارند زیرا اصلا اثبات شان عین ثبوتشان است.

1/323 : معقول نیست و ممکن نیست که تصادفی میان این دو دسته- میان اصول عملی عقلیه و اصول عملیه شرعیه - از اصول پیش بیاید. چه زمانی تصادف میتواند رخ دهد زمانی که یکی از آنها منجز تکلیف باشد و یکی از آنها معذر تکلیف باشد. یکی بگوید شما مکلفی و دیگری بگوید نه شما در ترخیصی. در این هنگام ممکن است تصادم رخ دهد. چرا معقول نیست ؟ میگویند ببنید اصل عملی عقلی یا تعلیقی یا غیر معلق ؛ یعنی اصل عملی عقلی یا معلق است به عدم ورود اصل عملی شرعی که در این صورت با ورود اصل عملی شرعی دیگر جای وجود اصل عملی عقلی نیست. مثلا عقل میگوید اگر تو احتمال میدهی که مولا آب میخواهد صرف این احتمال باید بروی آب بیاوری و نیاری اخراج میکند ولو احتمال میدهی. عقل میگوید برو آب بیار و خود را راحت کن. عقل میگوید اما من معلق هستم به عدم ورود ترخیص از جانب خود مولا. اگر خود مولا در یک بین روشنی گفته بود که هر وقت احتمال دادی من چیزی را میخواهم نمیخواهد توجه کنی.

پس اگر اصل عملی شرعی آمد اصلا موضوع اصل عملی عقلی را از بین میبرد.

و اگر اصل عملی عقلی معلق نبود به ورود اصل عملی شرعی. در چنین حالتی اصلا منتظر اصل عملی شرعی نمیشویم و همان اصل عملی عقلی را اجرا میکنیم.

\*- الاصول التنزیلیه و المحرزه :

در بحث قبلی اصول عملیه تقسیم شد به عقلی و شرعی و گفتن اصول عملی عقلی دو مورد بیشتر نیست که یکی اشتغال بود و یکی برائت.

این تقسیم­بندی ای که الان دارند ارائه می­دهند تقسیمی است برای اصول عملیه شرعیه و کاری با اصول عقلیه ندارد.

شهید صدر یکبار اینها را بیان میکند بر مبنای مشهور و بعد سر آخر میایند مبنای خودشان را یک اشاره ای میکنند.

یک حکم ظاهری را میخواهد جعل کند یا به این لسان است که حکم ظاهری بمنزله­ی حکم واقعی است – یعنی درست است حکم ظاهری است ولی شما بمنزله حکم واقعی در نظر بگیر- یا به این لسان است که شک بمنزله­ی یقین است.

مثلا: شارع مقدس گفته است مدفوع حیوان محلّل لحمه طاهر؛ اگر حیوانی حلال­گوشت بود مدفوع او پاک است. میدانیم این گوشت حلالُ ، اینجا حکم طهارت مدفوع خودکار می آید. اما اگر ما نمیدانیم که این حیوان حلال گوشت است یا نه ؟ در مشکوک الحلّیه اصل حلال بودن را از اصالة الحلیه میفهمیم. آیا حالا که از طریق اصل عملی این را فهمیدیم میتوانیم در مدفوع اش اصالة الطهاره پیاده کنیم؟ مشهور گفتند بله، چون شارع آمده این حکم ظاهری را بمنزله­ی حکم واقعی قرار داده شده است یعنی بحسب ظاهر جای واقع می­نشیند. یعنی می­گویند لسان دلیلی که آمده اصالة الحل را گفته لسانش به این صورت است که آن را بمنزله حکم واقعی می­گیرد. و در حقیقت یعنی لوازم و مثبتات این حجت میشوند.

\*-